

مدل عوامل نگرشی تاثیرگذار بر پرداخت مالیات با استفاده از سیستم خودارزیابی مودیان مالیاتی کل کشور

نوع مقاله: پژوهشی

احسان بشارتی^۱
فرهاد شاه ویسی^۲
فرشید خیراللهی^۳
روح الله جمشیدپور^۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۶/۱۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۸/۱۵

چکیده

پژوهش حاضر با هدف طراحی الگوی عوامل نگرشی تاثیرگذار بر پرداخت مالیات با استفاده از سیستم خودارزیابی مودیان مالیاتی کل کشور انجام شد. پژوهش از نظر روش پژوهش از نوع آمیخته، از نظر هدف از نوع اکتشافی و از نظر میزان کاربرد پژوهش کاربردی است. از اینرو، در مرحله اول تحقیق، با استفاده از یک پرسشنامه کیفی اصلی ترین عوامل نگرشی تاثیرگذار بر پرداخت مالیات شناسایی شد و با استفاده از تحلیل محتوا به طراحی پرسشنامه کمی (توصیفی) پرداخته شد. جامعه آماری این پژوهش با استفاده از فرمول کوکران نمونه برابر با ۳۸۴ نفر از مودیان مالیاتی حقیقی در سطح استان تهران در نظر گرفته شد. داده های گردآوری شده با استفاده از نرم افزار SPSS22 & Smart-Pls در قالب روش های آمار توصیفی و آمار استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. نتایج پژوهش نشان داد ریسک گریزی، هنجار، اخلاق، عدالت مالیاتی، ریسک درک شده و تعهد به پرداخت مالیات می باشد؛ ریسک گریزی با ضریب تاثیر ۰/۱۹۴، هنجار با ضریب تاثیر ۰/۲۱۵، اخلاق با ضریب تاثیر ۰/۲۱۱، عدالت مالیاتی با ضریب تاثیر ۰/۲۶۵، ریسک

۱ دانشجوی دکتری، گروه حسابداری، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران
ehsan3343261@gmail.com

۲ استادیار گروه آموزشی حسابداری، دانشکده اقتصاد و حسابداری، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران (نویسنده مسئول)
f.shahveisi@razi.ac.ir

۳ استادیار گروه حسابداری، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران
F.kheirollahi@razi.ac.ir

۴ استادیار، گروه حسابداری، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.
r.jamshidpour@gmail.com

درک شده با ضریب تاثیر ۰/۱۷۳، تعهد به پرداخت مالیات با ضریب تاثیر ۰/۲۵۹، بر پرداخت مالیات مودیان مالیاتی کل کشور مثبت دارند.

واژگان کلیدی: مالیات، نگرش، سیستم خودارزیابی، ریسک پذیری، هنجار و اخلاق
طبقه بندی JEL : H2, E42, G32

مقدمه

رهایی از درآمدهای پر نوسان و غیر قابل اطمینان حاصل از فروش نفت خام و تامین مالی بودجه دولت از طریق درآمدهای مالیاتی یکی از اهداف کلیدی نظام مالیاتی کشور می‌باشد (حساس یگانه و همکاران، ۱۳۹۸). امروزه عدم پرداخت مالیات به عنوان به یکی از بزرگترین و مهم ترین مسائل در حوزه مالیات همچنان باقی مانده است (ناصری و تمری‌نیا، ۱۳۹۷). نگاهی گذرا به عملکرد نظام مالیاتی کشور طی سال‌های گذشته نشان می‌دهد با وجود اقدامات مهم صورت گرفته در طول برنامه های اول تا چهارم توسعه اقتصادی؛ اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در جهت اصلاح نظام مالیاتی در ابعاد مختلف نظیر اصلاح قوانین و مقررات مالیات ها، اصلاح نرخ ها و معافیت های مالیاتی و ... هنوز نظام مالیاتی کشور در مقایسه با بسیاری از کشورهای جهان وضعیت نامناسبی دارد (حساس یگانه و همکاران، ۱۳۹۸). اهمیت و جایگاه خاص و رفیع نظام مالیاتی در مجموعه اقتصاد هر کشور بر هیچ یک از متخصصین و خبرگان این حوزه پوشیده نیست. چرا که اگر بازدهی سرمایه‌گذاری در اثر انواع مالیات و عوارض آن پایین‌تر از سایر کشورها باشد، سرمایه به سوی سایر کشورهای دارای بازدهی بیشتر سوق خواهد یافت، بنابراین، همواره افزایش نرخ‌های مالیاتی موجب تأمین عدالت اقتصادی نخواهد شد (جهانگیروند و همکاران، ۱۴۰۰). بنابراین با توجه به نقاط ضعف و کاستی‌های نظام مالیاتی کشور، تحول نظام مالیاتی همواره مورد توجه علاقمندان اعم از فعالان بخش دولتی و خصوصی بوده است (آخوندی و همکاران، ۱۳۹۷).

مشکلات موجود مالیاتی کشور مسئولین را برآن داشت تا تمهیدی جدی در خصوص نظام مالیاتی ببانندیشند. به عبارت دیگر، ایرادات و ناهم‌سویی سیاست ها، نظام ها و فرایندهای ناکارآمد مالیاتی، عدم وجود دید یکپارچه به مؤدیان مالیاتی و اطلاعات ایشان، عدم ارائه خدمات مناسب به مؤدیان و اطلاعات ناکافی در مورد مؤدیان و ضعف فرهنگ پرداخت مالیات منجر به افزایش هزینه های عملیاتی، افزایش شکایات و افزایش حجم فرارهای مالیاتی گردید. که در نهایت این معضل باعث کاهش درآمدهای مالیاتی و افزایش نارضایتی مؤدیان مالیاتی گردید (نظرپور و همکاران، ۱۳۹۹).

بررسی های متعدد انجام شده توسط پژوهشگران و کارشناسان مختلف حوزه مالیات نشان می دهد که میان ظرفیت بالقوه مالیاتی و وصولی های مالیاتی کشور، شکاف در خور توجهی وجود دارد. این امر حکایت از آن دارد که می توان با اتخاذ تدابیری در جهت اصلاح نظام مالیاتی کشور، وصولی های مالیاتی را تا حد زیادی افزایش داد و اتکای دولت به درآمدهای مالیاتی را بهبود بخشید. ضرورت این مسأله تا بدان حد است که برنامه های توسعه تأکید خاصی بر آن داشته و اهداف خاصی را در این راستا تعیین نموده‌اند. از جمله اساسی ترین ضرورت های هر نظام مالیاتی

مناسب در جامعه اشاعه و رشد فرهنگ مالیاتی است توجه به این موضوع یکی از اساسی ترین مشکلات تمکین و وصول مالیات را دربر می گیرد مشکلی که صرفاً از طریق فرهنگ عمومی جامعه و تبع آن فرهنگ مالیاتی قابل حل خواهد بود (آخوندی و همکاران، ۱۳۹۷).

یکی از مهمترین و اصولی ترین راههای افزایش درآمدهای مالیاتی تلاش برای افزایش تمکین مالیاتی است. مطالعات نشان می دهد به هر اندازه درصد تمکین مالیاتی در یک سیستم مالیاتی بالاتر باشد، میزان وصولی بخش مالیاتی افزایش می یابد و شاخص های کلان اقتصادی چون نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی، نسبت درآمدهای واقعی مالیاتی به درآمد مالیاتی پیش بینی شده در بودجه و نسبت درآمدهای مالیاتی داوطلبانه پرداخت شده به کل درآمدهای مالیاتی وصول شده افزایش می یابد (باقری و همکاران، ۱۳۹۸). اقتصاد ایران نیز از این قاعده مستثنی نبوده و لذا انتظار می رود که با الگوگرفتن از نظام مالیاتی بین الملل و با توجه به زیرساخت های اقتصادی و فرهنگی و توانایی های اجرایی نظام مالیاتی بتوان سیستم مالیاتی کشور را بهبود بخشید. مخالفان معتقدند که به دلیل فقدان نظام جامع اطلاعات مالیاتی، ظرفیت اجرایی پایین سازمان امور مالیاتی و ساختار اقتصادی متفاوت از کشورهای توسعه یافته، انجام چنین رفرم هایی در ایران امکان پذیر نیست هر سیستم مالیاتی به طور اجتناب ناپذیری باعث کاهش یا تضعیف انگیزه ها برای فعالیت های اقتصادی که بر آنها مالیات وضع می شود خواهد شد. بنابراین اصلاحات باید به گونه ای انجام شود که تا حد ممکن مداخله در تصمیمات خصوصی افراد و بنگاهها به حداقل ممکن برسد. یعنی سیستم مالیاتی نباید بی جهت باعث منحرف شدن انتخاب ها در مورد اینکه چقدر درآمد به دست آید و چگونه هزینه شود گردد، نباید باعث ترجیح فراغت بر کار شود، یا موجب ترجیح مصرف در مقابل پس انداز و سرمایه گذاری شود، نباید به شکل غیرضروری باعث تغییر یا عدم تغییر تکنولوژی تولید و یا تغییر در تصمیمات مرتبط با شیوه تأمین مالی یا انتخاب شکل قانونی سازماندهی فعالیت های اقتصادی (شرکتی یا غیرشرکتی) شود، نباید موجب ادغام یا تصاحب مالکیت یک بنگاه توسط بنگاه دیگر صرفاً با انگیزه های مالیاتی شود، نباید تشکیل بنگاههای جدید و یا ریسک پذیری را غیرجذاب نماید و نباید باعث تضعیف رقابت در اثر رفتارهای ترجیحی یا تبعیضانه مالیاتی شود (ثنائی پور، ۲۰۲۰).

با توجه به قوانین و مقررات مالیاتی کشور، تمکین مالیاتی به مفهوم «پایبندی مؤدیان به تکالیف مالیاتی و رعایت قانون مالیاتی از سوی آنها» تعریف شده است. این تعریف بسیار مبهم، تفسیرپذیر و غیرعملیاتی بوده و سیاستگذاران، مجریان قانون و مؤدیان را با سردرگمی و ابهام مواجه می نماید. قانون مالیات های مستقیم ایران نیز متأسفانه هیچ تعریف روشنی از تمکین

مالیاتی و سایر واژگان مالیاتی ارائه نکرده است که این موضوع مشکلات فراوانی را بر سر راه ممیزان و پژوهش گران در زمینه امور مالیاتی قرار داده است (امیری، ۱۳۹۶). از جمله عوامل تاثیرگذار در افزایش اعتماد و مشارکت مودیان مالیاتی و نتیجتاً تمکین مالیاتی، نوع نگرش مودیان می باشد. نگرش عبارت است از ساماندهی بلندمدت فرآیندهای انگیزشی، احساسی، ادراکی، و شناختی با توجه به برخی جنبه های محیطی که فرد در آن قرار گرفته است. بر همین اساس، نگرش یک فرد بیانگر شیوه تفکر، احساس و واکنش هایی است که نسبت به محیط اطراف خود دارد. در سال های اخیر محققان دریافته اند که نگرش پیشگویی کننده معنی داری برای تمایلات و نیت رفتاری می باشد بگونه ای که به طور کلی پذیرفته شده که نگرش ها بر رفتار تمکین مالیاتی مودیان تاثیر می گذارند، چرا که آنها بیان کننده تمایل مودیان برای واکنش مثبت یا منفی به یک موقعیت بخصوص می باشند. بنابراین می توان انتظار داشت که مودیان با نگرش مثبت به فرار مالیاتی در مقایسه با مودیانی که نگرش منفی دارند، تمکین مالیاتی در آنها کمتر می باشد (ثنائی پور^۱، ۲۰۲۰).

تحقیقات مختلف نشان داده که نگرش مودیان نسبت به فرار مالیاتی به شکل مثبت و معنی داری با رفتار تمکین مالیاتی آنها در ارتباط می باشد و بیان کردند که مودیان با نگرش منفی نسبت به فرار مالیاتی با احتمال بیشتری پذیرای قوانین و مقررات مالیاتی می باشند. بر این اساس، با توجه به مطالب ذکر شده و اهمیت فزاینده نقش درآمدهای مالیاتی در توسعه و پیشرفت اقتصادی کشور، این تحقیق بدنبال بررسی عوامل نگرشی تاثیرگذار بر پرداخت مالیات با استفاده از سیستم خودارزیابی مودیان مالیاتی کل کشور می باشد تا بر این اساس به طراحی و تدوین مدل عوامل نگرشی تاثیرگذار بر پرداخت مالیات با استفاده از سیستم خودارزیابی مودیان مالیاتی کل کشور بپردازد.

۱. ادبیات و پیشینه پژوهش

مالیات در نظام اقتصادی از مهم ترین رکن های آن نظام است. فعالیت های اقتصادی متنوع و نقش اساسی دولت ها در جهت ایجاد و گسترش خدمات و تعهدهای دولتی در عرصه های متفاوت اقتصادی و اجتماعی و نیز تلاش در راستای افزایش رشد اقتصاد و توزیع عادلانه درآمد، پرداخت و دریافت مالیات را به مسأله ای مهم تبدیل نموده که به دلیل اثر آن بر بازده سرمایه های فیزیکی و انسانی می توانند بر تصمیم گیری های اقتصادی و رشد اقتصادی تاثیرگذار باشند (حبیب الهی و همکاران، ۱۴۰۱). از این رو، مالیات و مالیات ستانی از جمله موضوعات مهم در حوزه سیاستگذاری

^۱ Sanaeepour H.

اقتصادی دولتها هستند که به عنوان ابزاری کارآمد در جهت اجرای سیاست های اقتصادی و هدایت اقتصاد کشورها در مسیر پیشرفت و توسعه قلمداد می شوند. از این رو اقتصاددانان وجود یک نظام مالیاتی کارآمد را برای تداوم و رونق عملکردها و اقدامات دولتها بسیار ضروری برمی شمارند. طراحی و اجرای سیاست های مالیاتی هسته اصلی اقتصاد سیاسی را تشکیل می دهند و سیاستگذاران همواره در تلاش هستند تا با طراحی نظام مالیاتی کارآمد و اصلاح آن، حداکثر مشارکت جامعه را به دست بیاورند. یکی از مهمترین منابع درآمدی هر دولتی و با هر نوع نظام اقتصادی مالیات می باشد و از مالیات به عنوان درآمد پاک دولتها نام برده می شود (کنو، ۲۰۲۰). بدیهی است که همواره پرداخت مالیات در جوامع مختلف با مقاومت از سوی افراد مواجه می گردد، به همین دلیل دولت می بایست همواره در جستجوی راههایی جهت افزایش وصول مالیات و همچنین جلوگیری از فرار مالیاتی با در نظر گرفتن رضایت افراد جامعه بمنظور پیشگیری از وقوع نارضایتی ها و درگیری های احتمالی با آنها باشند (کوهیلج و جفرسون، ۲۰۲۰). نظام مالیاتی مطلوب باید بتواند بار مالیاتی را به صورت عادلانه بین شهروندان تقسیم کند، رفتارهایی که موجب فرار و اجتناب از پرداخت مالیات می شود را کاهش داده و وظیفه مؤدیان و مدیران مالیاتی را تا حد امکان ساده نماید این در حالی است که کشورهای در حال توسعه همواره تحت فشار تامین منابع برای مخارج عمومی بوده و گرفتار سیستم های مالیاتی هستند که موجب اخلال در رفتار عاملان اقتصادی می شوند و انتظار دارند که بتوانند با الگو گرفتن از اصلاحات جهانی مالیات، سیستم های مالیاتی خویش را بهبود بخشند. اما در این زمینه نکته مهم این است که شرایط اقتصادی و توانایی های اجرایی آنها به طور قابل توجهی متفاوت از کشورهای توسعه یافته است. به عبارت دیگر، در کشورهای در حال توسعه موانع دست و پاگیر فراوانی در مقابل عملکرد کارای بازارها وجود دارد، توزیع درآمدها نابرابرتر است و مؤدیان و سازمان های مالیاتی از ظرفیت اجرایی مطلوبی برای اجرای قوانین پیچیده مالیاتی برخوردار نیستند. با وجود این مشکلات، نیاز به تحرک پذیری منابع، تشویق پس انداز و سرمایه گذاری و جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی در این کشورها مهمتر از کشورهای توسعه یافته است (فورتین^۳ و همکاران، ۲۰۲۱).

مالیات رابطه ای تنگاتنگ با فرهنگ جوامع دارد. برای ارتقاء کیفیت و کمیت منطقی وصول مالیات ابتدا نیاز به شناخت آن و سپس زدودن فرهنگ جامعه از اعتقادات غلط و ناسازگاری و جایگزینی آن با اعتقادات صحیح و سازگار می باشد. باید نوعی تلاش و توجه ملی از بالاترین سطوح

^۱ Kenno

^۲ Cohilj & Jefferson.

^۳ Fortin et al.

تصمیم‌گیری و اجرایی یعنی دولت آغاز و به سازمان‌های وابسته دولتی و خصوصی و موسسه و بنگاه‌های اقتصادی و نهائیتا در بین مردم سرایت داده شود. به عبارت ساده‌تر، فرهنگ مالیات باید جزو نگرش فرهنگ جامعه گردد چرا که برخورداری از فرهنگ مالیاتی منجر به پذیرش شکل داوطلبانه آن از سوی گروه‌های اجتماعی می‌شود. در بسیاری مواقع با پدیده‌ی روبه‌رو می‌شویم که عناصر مادی و معنوی فرهنگی، هم‌سو رشد نمی‌کنند و به اصطلاح جامعه‌شناسانه با نوعی ناسامانی فرهنگی روبه‌رو شده که این موضوع کل فرآیند را دچار اختلال می‌کند (بیسلی، ۲۰۲۰).

اوت من و همکاران (۲۰۲۳) تأثیر تنگنای فرهنگی-سستی، دینداری و محیط نهادی را بر رفتار فرار مالیاتی در ۴۸ کشور طی دوره ۱۹۹۷-۲۰۱۸ مورد بررسی قرار دادند. در این مطالعه این موضوع که آیا قدرت هنجارها و تحمل برای انحرافات نقشی در توضیح تفاوت‌های بین‌کشوری در فرار مالیاتی دارد یا خیر بررسی شده است. نتایج نشان می‌دهد که هرچه مسئولیت‌پذیری بالاتر و درجه تنگدستی فرهنگی، حاکمیت قانون و ثبات سیاسی کمتر باشد، درجه فرار مالیاتی در سراسر کشورها بالاتر است.

فورتین و همکاران (۲۰۲۱) در مورد فرار مالیاتی و واکنش‌های اجتماعی مؤدیان، به این نتیجه می‌رسند که تجارب آزمایشگاهی در حل مسائل فرار مالیاتی بسیار مفید است. همچنین معتقدند یک نظام مالیاتی ناعادلانه به افزایش فرار مالیاتی منجر می‌شود و اگر نظام مالیات بندی در راستای عدالت افقی باشد تمکین مالیاتی بهبود می‌یابد. کنو (۲۰۲۰) به بررسی عوامل مؤثر بر درک مالیات دهندگان نسبت به جدیت فرار مالیاتی پرداخت. نتایج نشان داد که فرار مالیاتی ناشی از عدم آگاهی در مورد مالیات، درک فرار مالیاتی به عنوان فرهنگ، روند حسابرسی مالیاتی و درجه تشخیص، درک فرار مالیاتی به عنوان یک جرم جزئی و مسائل مربوط به انصاف مالیاتی و عدالت است. ثنائی پور (۲۰۲۰) به شناسایی و اولویت بندی عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی کسب و کارهای کوچک و متوسط از نظر کارکنان سازمان امور مالیاتی پرداخته است. و به این نتیجه رسید که سیستم جامع اطلاعاتی، نیروی انسانی متخصص، قانون مالیاتی، اعتماد، فساد اداری و بهبود فرهنگ مالیاتی. مهمترین عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی به ترتیب وزن و اولویت هستند. کوهیلج و جفرسون (۲۰۲۰) به بررسی تمایل به پرداخت مالیات را با بازنگری منحنی لافر پرداخت. طبق نتایج این مطالعه، افزایش نرخ نهایی مالیات سبب کاهش تمایل به کشورهای OECD پرداخت مالیات خواهد شد و همچنین باعث می‌شود افراد از فعالیت‌های اقتصادی رسمی به سمت فعالیت‌های اقتصادی غیررسمی یا عدم فعالیت اقتصادی حرکت کنند و در نتیجه وصول مالیات دولت کاهش

یابد سادجارتو و همکاران^۱ (۲۰۱۹) در پژوهشی به بررسی عوامل مؤثر بر درک فرار مالیاتی در کشور اندونزی پرداختند. آنها به این نتیجه رسیدند که شخصیت و فرهنگ، عوامل نهادی و روحیه مالیاتی تأثیر بسیار معنی دار و مثبتی نسبت به درک فرار مالیاتی دارند. اما عوامل سنتی عکس آن را نشان می دهند. تایلاهن^۲ (۲۰۱۹) در پژوهشی مالیات دهندگان را تحت تأثیر عوامل مختلفی از قبیل مجازات، عدالت در سیستم مالیاتی، نرخ مالیات، احتمال کشف و ممیزی و غیره دانستند. با این پیشنهاد که نهاد وصول کننده مالیاتی می بایست با ایجاد عدالت مالیاتی (نه سیاست چماق و هویج)، سطح مجازات مناسب را حفظ کند و رویه شهروندان مسئول را برتری ببخشد.

عبدحمید و همکاران^۳ (۲۰۱۹) در پژوهش خود عوامل مؤثر بر تمکین مالیاتی مشاغل مالزی را دانش مالیاتی، پیچیدگی قوانین و مقررات مالیاتی مالزی و سختی درک آن و بالا بودن و سنگین بودن نرخ فعلی مالیات می دانند.

ایناسیویس^۴ (۲۰۱۵) طی پژوهشی با عنوان «عوامل مؤثر بر انطباق مالیات در شرکت های کوچک و متوسط شواهدی از اندونزی نشان می دهد که احتمال حسابرسی، دانش مالیاتی و درک عدالت و انصاف، تأثیر معنی داری بر تمکین مالیات دارند. تابنده و همکاران^۵ (۲۰۱۳) به بررسی عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی در مالزی پرداخت و پایه مالیاتی، اندازه دولت، درآمد مالیات دهندگان، نرخ تورم و باز بودن تجارت را بعنوان دلایل اصلی فرار مالیاتی مطرح نمودند. نتایج این پژوهش همچنین بیان می دارد که اثر تورم و اندازه دولت بر فرار مالیاتی مثبت و معنی دار است. کاسیپلای و همکاران^۶ (۲۰۰۳) در پژوهشی نشان دادند عاملی که باعث فرار مالیاتی می شود، فرهنگ مالیاتی است. آنها به بررسی تأثیر آموزش و پرورش بر رعایت مالیاتی در میان دانشجویان مقطع کارشناسی در مالزی پرداختند، و فهمیدند که یک رابطه نزدیک بین آموزش و پرورش و پیروی از مالیات وجود دارد.

کریمی و همکاران (۱۴۰۱) به ارزیابی و رتبه بندی عوامل اقتصادی و مالی مؤثر بر شفافیت مالیاتی شرکت ها از طریق بکارگیری روش بهترین- بدترین سلسله مراتبی پرداخته و به این نتیجه دست یافته است که عوامل مربوط به راهبری شرکتی و عوامل اجتماعی بیشترین تأثیر را در میزان شفافیت مالیاتی شرکت ها دارد.

^۱ Sadjarto et al.

^۲ Tilahun

^۳ Abd Hamid et al

^۴ Inasius

^۵ Tabandeh

^۶ Kasipillai et al.

کیا و همکاران (۱۴۰۰) از آن جهت که نظام مالیات بر ارزش افزوده نوعی تغییر ساختار مالیاتی مؤثر بر افزایش درآمدها و تجهیز منابع مالی به منظور تأمین هزینه‌های دولت است، به شناسایی معیارها و سنجه‌های ارزیابی خط مشی مالیات بر ارزش افزوده پرداختند. تمرکز زدایی مالی، مقایسه عملکرد با هدف، خودتکایی درآمد، ارزیابی مبتنی بر قانون، حسن اجرای قانون، ارزیابی برنامه، ارزیابی عملکرد، آثار یا پیامدها بر مردم و مزیت نسبی مالیات بر ارزش افزوده از جمله عوامل شناسایی شده در ارزیابی خط مشی مالیات بر ارزش افزوده است.

یگانه و همکاران (۱۳۹۸) به بررسی اهمیت تغییرات چهار عامل اقتصادی، ساختاری، رفتاری و قانون در تمایل به پرداخت مالیات از دیدگاه مؤدیان مالیاتی مناطق شش‌گانه امور مالیاتی شهر تهران (شمال، جنوب، شرق، غرب، مرکز و مؤدیان بزرگ) پرداختند. نتایج نشان داد تنها در عامل اقتصادی تمایل به پرداخت مالیات در میان مؤدیان مالیاتی به تفکیک نوع شرکت تفاوت معنی داری وجود دارد و این تفاوت در بین شرکت‌های خدماتی با شرکت‌های تولیدی و بازرگانی است. برزیده و همکاران (۱۳۹۸) به شناسایی و رتبه‌بندی عوامل رفتاری مؤثر بر عدم تمکین مالیات بر درآمد مشاغل پرداختند. یافته‌ها حاکی از این است که از بین شاخص‌های اصلی، هنجارهای اجتماعی و فردی بالاترین اهمیت و از بین زیرشاخص‌های نگرش، هنجارها و کنترل رفتاری ادراک شده به ترتیب عدم تقارن اطلاعاتی، رفتار الگوی اصلی و گزارش اشخاص ثالث بالاترین درجه اهمیت را در عدم تمکین مالیاتی دارند.

ناصری و تمری نیا (۱۳۹۷) در پژوهش تأثیر ارتقاء فرهنگ بر تمکین مالیاتی، نشان می‌دهد تمکین مالیاتی شرکتها، از طریق عوامل انسانی و درآمدهای اقتصادی مشخص می‌شود و فرهنگ بر تمکین مالیاتی شرکتی اثر شایان توجهی دارد.

صیادی سومار و همکاران (۱۳۹۷) طی پژوهشی با عنوان علل پدیده فرار مالیاتی در ایران با تأکید بر شکاف بین دیدگاه مؤدیان و کادر مالیاتی براساس مدل AHP از دیدگاه مؤدیان عواملی نظیر عدالت در دریافت و توزیع مالیات، شرایط سیاسی کشور و استفاده از روش‌ها و تکنولوژی‌های نوین جهت اطلاع مؤدیان و کادر مالیاتی مهم‌ترین عامل‌ها بوده، در حالی که از دیدگاه کادر مالیاتی تأثیر وضعیت اقتصادی و شرایط سیاسی کشور از بقیه عوامل تأثیرگذارتر می‌باشند.

تقوی فرد و همکاران (۱۳۹۶) با استفاده از روش‌های داده‌کاوی شامل الگوریتم‌های پیش‌بینی و خوشه‌بندی پیش‌بینی فرار مالیاتی مؤدیان و سپس با استفاده از شاخص سیلوئت این نتیجه را گرفته‌اند که با استفاده از سه متغیر کل مالیات فروش برگه مطالبه، کل مالیات ابرازی فروش اظهارنامه و فروش مشمول ابرازی، با درصد بالایی می‌توان تقلب را تشخیص داد.

آخوندی و همکاران (۱۳۹۷) در تحقیقی با عنوان عوامل مؤثر بر تمکین مالیاتی مؤدیان مالیات بر ارزش افزوده عوامل فرهنگی شامل عوامل درون سازمانی (عوامل مدیریتی و عوامل انسانی) و عوامل برون سازمانی (عوامل اقتصادی و عوامل فرهنگی) و همچنین ابعاد ساختار سازمانی شامل پیچیدگی، تمرکز و رسمیت، فرصت های عدم تمکین شامل میزان درآمد و نوع حرفه مؤدیان را بر تمکین مالیات مؤثر می دانند.

امیری (۱۳۹۶) در پژوهش خود نشان می دهد که میزان فرار مالیاتی در کشور ما با وجود اقدامات صورت پذیرفته روند رو به رشدی داشته و میزان قابل توجهی را به خود اختصاص می دهد. بنابراین به نظر می رسد بررسی مولفه های مطرح شده در اقتصاد رفتاری در خصوص (عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی) و همچنین بهره گیری از ظرفیت های سیاست گذاری مطرح شده در این رویکرد می تواند در کاهش فرار مالیاتی در کشور و همچنین افزایش کارایی نظام مالیاتی مؤثر باشد. کندالچی (۱۳۹۵) در پژوهشی به تأثیر متغیرهای جمعیت شناختی نظیر سن، جنسیت، درآمد، سطح تحصیلات و قومیت بر متغیر اخلاق مالیاتی در جامعه دانشجویان علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان پرداخته اند. از نتایج این مطالعه می توان به تأثیر مثبت سن و درآمد و تأثیر منفی تحصیلات و قومیت اشاره کرد. نتایج نشان می دهند که زنان نسبت به مردان اخلاق مالیاتی بالاتری دارند.

۲. روش پژوهش

در خصوص تقسیم بندی پژوهش، چارچوب های مختلفی وجود دارد. پژوهش حاضر از نظر روش پژوهش از نوع آمیخته، از نظر هدف از نوع اکتشافی و از نظر میزان کاربرد پژوهش کاربردی است. از اینرو، به منظور دستیابی به شاخص ها و مولفه های عوامل نگرشی تاثیرگذار بر پرداخت مالیات از روش تحقیق آمیخته اکتشافی-توصیفی (کیفی-کمی) استفاده شده است. به این منظور در مرحله اول تحقیق، با استفاده از یک پرسشنامه کیفی اصلی ترین عوامل نگرشی تاثیرگذار بر پرداخت مالیات شناسایی شد و با استفاده از تحلیل محتوا به طراحی پرسشنامه کمی (توصیفی) پرداخته شد.

جامعه آماری این پژوهش با توجه به تنوع و گستردگی مودیان مالیاتی کل کشور در این بخش؛ پژوهشگر به مودیان مالیاتی حقیقی استان تهران بسنده نموده است؛ برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران برای جامعه نامحدود استفاده گردید، لذا با استفاده از فرمول کوکران نمونه برابر با ۳۸۴ نفر از مودیان مالیاتی حقیقی در سطح استان تهران در نظر گرفته شد.

پرسشنامه توسط خبرگان سازمان امور مالیاتی، بررسی بازخورهای خبرگان دریافت و پرسشنامه نهایی با به کارگیری اصلاحات پیشنهادی شکل خواهد گرفت. برای اعتبارسنجی (پایایی)

نتایج تحقیق پس از انجام محاسبات لازم در هر گام از پژوهش، در اختیار خبرگان و صاحب نظران قرار گرفت. داده‌های گردآوری شده با استفاده از نرم‌افزار SPSS22 & Smart-Pls در قالب روش‌های آمار توصیفی و آمار استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. روش آمار توصیفی این پژوهش شامل فراوانی، میانگین، مد، میانه، انحراف معیار، چولگی، کشیدگی، جدول آماری و نمودارها است.

۳. یافته‌ها

۳-۱. شاخص‌ها و مولفه‌های اصلی مرتبط با عوامل نگرشی تاثیرگذار بر پرداخت مالیات:

برای پاسخگویی به این سؤال، از روش تکنیک دلفی استفاده شد. برای رسیدن به پاسخ این سؤال، با ۲۰ نفر از خبرگان آشنا به موضوع پژوهش مورد تحلیل قرار گرفت.

در مرحله اول هر کدام از ۲۰ کارشناس مربوطه نظرات خود را در زمینه عوامل نگرشی تاثیرگذار بر پرداخت مالیات بیان کردند. محقق با گرفتن همه نظرات بیان شده از طرف کارشناسان، عوامل عوامل نگرشی تاثیرگذار بر پرداخت مالیات را که نتیجه مرحله اول بود، استخراج کرد. هر کدام از کارشناسان تعدادی عامل را برای این منظور بیان کردند که با تلفیق این عوامل از طرف محقق، تعداد ۶ معیار با ۱۷ عامل مشخص شد. این عوامل در مرحله دوم مجدداً در اختیار محققان مربوطه قرار گرفت تا با نظرات دیگر همکاران خود نیز آگاه شوند و نظراتشان را در مورد آن عوامل بیان کنند. بعد از اعلام نظر محققان در مرحله دوم، بیشتر آنها بر حذف ۲ عامل، تأکید کردند. بنابراین در نتیجه مرحله دوم، در مجموع ۱۵ عامل باقی ماند. بعد از نتیجه مرحله دوم، محقق اقدام به طراحی پرسشنامه کرد و به منظور اولویت‌بندی این عوامل، مجدداً پرسشنامه طراحی شده در مرحله سوم در اختیار کارشناسان مربوطه قرار گرفت. محقق پس از جمع‌آوری نظرات کارشناسان، اقدام به اولویت‌بندی عامل‌های مربوطه کرد.

جدول ۱. نظر کارشناسان در مرحله نهایی (دلفی)

رتبه بدست آمده از راند سوم	میزان موافقت شما با این مولفه / سوال					اظهار نظر در مورد این مولفه	ریسک گریزی
	۵	۴	۳	۲	۱		
۳/۹۸						هنگام پرداخت مالیات شک و تردید ندارم.	ریسک گریزی
۳/۴۷						دوست ندارم خصوص عدم پرداخت مالیات مواخذه شوم.	
۳/۰۲						دوستان و آشنایان مرا به پرداخت مالیات تشویق می کنند.	هنگار
۳/۶۶						پرداخت مالیات توسط دوستان و آشنایان عادی است	
۴/۳۱						پرداخت مالیات دور ریختن پول است	ریسک درک شده
۳/۹۵						پرداخت مالیات ممکن است تصمیم عاقلانه ای نباشد.	
۳/۹۷						عدم پرداخت مالیات رفتاری غیراخلاقی است.	اخلاق
۴/۶۵						فرار مالیاتی غیر اخلاقی است.	
۳/۱۲						پرسنل مالیاتی صداقت دارند.	
۳/۹۴						پرداخت مالیات بر مبنای درآمد عادلانه است.	عدالت مالیاتی
۳/۱۲						مصارف مالیات منصفانه است.	
۳/۹۸						مجازات عدم پرداخت مالیات عادلانه است.	
۴/۳۵						تناسب پرداخت مالیات بین مودیان وجود دارد.	
۳/۶۷						اظهارنامه مالیاتی را بموقع تکمیل می کنم.	تعهد به پرداخت مالیات
۳/۹۹						به دوستانم توصیه می کنم مالیات را بموقع پرداخت کنند.	

منابع : یافته های پژوهش

۳-۲. اولویت‌بندی مدل عوامل نگرشی تاثیرگذار بر پرداخت مالیات با روش AHP

برای اینکه اولویت‌بندی مدل عوامل نگرشی تاثیرگذار بر پرداخت مالیات مشخص گردد از روش AHP مبتنی بر نظر کارشناسان استفاده گردیده است. این عوامل در ۶ عامل (شاخص) گنجانده شده و هر شاخص نسبت به شاخص دیگر یک وزن می‌گیرد که معکوس آن برای شاخص دوم لحاظ می‌شود. بر اساس این نمودار مشخص می‌گردد که بیشترین ارزش‌ها به عامل تعهد به پرداخت مالیات با وزن ۰/۱۶۴ و کمترین ارزش‌ها به عامل ریسک‌گریزی با وزن ۰/۰۸۹ توسط کارشناسان اختصاص داده شده است.

نتایج مقایسات زوجی نشان داد که بیشترین ارزش مربوط به شاخص تعهد به پرداخت مالیات با وزن نهایی ۰/۱۶۴ است. شاخص عدالت مالیاتی با وزن ۰/۱۵۹ در رتبه دوم قرار گرفته است. همچنین در بین ۶ شاخص ذکر شده، دو شاخص ریسک‌درک شده و ریسک‌گریزی به ترتیب با ۰/۱۱۶ و ۰/۰۸۹ در رتبه‌های آخر بررسی عوامل نگرشی تاثیرگذار بر پرداخت مالیات قرار می‌گیرند. برای آنکه مشخص شود نتایج و ارزش‌گذاری‌ها درست انجام شده، نرخ ناسازگاری نیز محاسبه شد. نرخ ناسازگاری شاخص‌ها برابر با ۰/۰۸۷ است. لذا این میزان نشان می‌دهد ارزش‌دهی شاخص‌ها تایید و مورد قبول بوده و صحت نتایج را تایید می‌کند؛ چرا که میزان آن از ۰/۱ کمتر می‌باشد. جدول زیر وضعیت وزن‌های نهایی مقایسه زوجی شاخص‌ها را نشان می‌دهد.

جدول ۲. اولویت‌بندی عوامل نگرشی تاثیرگذار بر پرداخت مالیات

ردیف	عوامل	وزن شاخص	نرخ ناسازگاری
۱	تعهد به پرداخت مالیات	۰/۱۶۴	۰/۰۸۷
۲	عدالت مالیاتی	۰/۱۵۹	
۳	هنجار	۰/۱۵۵	
۴	اخلاق	۰/۱۲۳	
۵	ریسک‌درک شده	۰/۱۱۶	
۶	ریسک‌گریزی	۰/۰۸۹	

منابع: یافته‌های پژوهش

۳-۳. بررسی فرض نرمال

نتایج نشان دهنده آن است که فرض نرمال بودن برای تمام متغیرها را نمی‌توان رد کرد ($P > 0/05$). در واقع چون سطح معناداری سایر متغیرها بیش از ۰,۰۵ می‌باشد پس متغیرها نرمال هستند. نتایج این آزمون در جدول ۴-۹ آورده شده است.

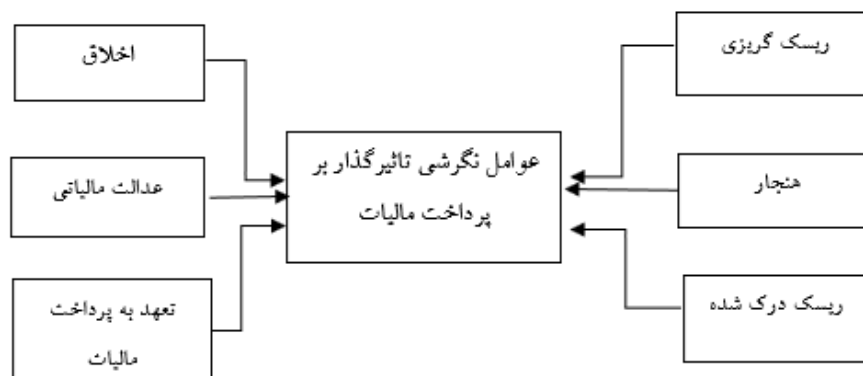
جدول ۳. نتایج آزمون کولموگروف-اسمیرنف برای بررسی پذیره نرمال بودن

ابعاد	حجم نمونه	سطح معناداری
ریسک گریزی	۴۰۰	۰/۶۴۵
هنجار	۴۰۰	۰/۶۷۸
ریسک درک شده	۴۰۰	۰/۴۳۲
اخلاق	۴۰۰	۰/۶۲۰
عدالت مالیاتی	۴۰۰	۰/۴۶۲
تعهد به پرداخت مالیات	۴۰۰	۰/۶۰۴

منابع : یافته های پژوهش

۳-۴. مدل عوامل نگرشی تاثیر گذار بر پرداخت مالیات

برای تحلیل و سنجش مدل این تحقیق از تحلیل داده‌ها به وسیله مدل معادلات ساختاری استفاده شده است. نرم افزار مورد استفاده در این تحقیق برای این تحلیل Smart-Pls می‌باشد.



شکل ۱. مدل عوامل مؤثر نگرشی تاثیرگذار پرداخت مالیات

منابع : یافته های پژوهش

جدول ۴. نتایج مدل ساختاری فرضیات پژوهش

نتیجه بررسی	T	$Z_{\alpha/2}$	α	β	مسیر فرضیه	
تائید	۱۱,۲۴۳	۱/۹۶	۰/۰۵	۰,۱۹۴	ریسک گریزی	پرداخت مالیات <---
تائید	۱۳,۴۳۱	۱/۹۶	۰/۰۵	۰,۲۱۵	هنجار	پرداخت مالیات <---
تائید	۱۲,۴۳۲	۱/۹۶	۰/۰۵	۰,۲۱۱	اخلاق	پرداخت مالیات <---
تائید	۱۲,۰۰۱	۱/۹۶	۰/۰۵	۰,۲۶۵	عدالت مالیاتی	پرداخت مالیات <---
تائید	۹,۶۲۳	۱/۹۶	۰/۰۵	۰,۱۷۳	ریسک درک شده	پرداخت مالیات <---
تائید	۱۵,۷۳۱	۱/۹۶	۰/۰۵	۰,۲۵۹	تعهد به پرداخت مالیات	پرداخت مالیات <---

منبع : یافته های پژوهش

با توجه به نتایج بدست آمده در پژوهش ۶ فرضیه به شرح ذیل مطرح شد:

- ۱- بین ریسک گریزی و پرداخت مالیات رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد.
با توجه به اینکه مقدار بحرانی ضریب مسیر بالاتر از ۱/۹۶ است مسیر مربوطه در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنی‌دار و فرضیه مذکور تأیید می‌شود؛ بدین معنی که ریسک گریزی بر پرداخت مالیات مودیان مالیاتی کل کشور تاثیر دارد. ضریب تاثیر ۰/۱۹۴ می‌باشد که بیانگر وجود تاثیر مثبت ریسک گریزی بر پرداخت مالیات مودیان مالیاتی کل کشور می‌باشد.
- ۲- بین هنجار و پرداخت مالیات مودیان مالیاتی کل کشور رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد.
با توجه به اینکه مقدار بحرانی ضریب مسیر بالاتر از ۱/۹۶ است مسیر مربوطه در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنی‌دار و فرضیه مذکور تأیید می‌شود؛ بدین معنی که هنجار بر پرداخت مالیات مودیان مالیاتی کل کشور تاثیر دارد. ضریب تاثیر ۰/۲۱۵ می‌باشد که بیانگر وجود تاثیر مثبت هنجار بر پرداخت مالیات مودیان مالیاتی کل کشور می‌باشد.
- ۳- بین اخلاق و پرداخت مالیات مودیان مالیاتی کل کشور رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد.
در این آزمون وجود تاثیر اخلاق بر پرداخت مالیات مودیان مالیاتی کل کشور بررسی شد. با توجه به اینکه مقدار بحرانی ضریب مسیر بالاتر از ۱/۹۶ است مسیر مربوطه در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنی‌دار و فرضیه مذکور تأیید می‌شود؛ بدین معنی که اخلاق بر پرداخت مالیات مودیان مالیاتی کل کشور تاثیر دارد. ضریب تاثیر ۰/۲۱۱ می‌باشد که بیانگر وجود تاثیر مثبت اخلاق بر پرداخت مالیات مودیان مالیاتی کل کشور می‌باشد.
- ۴- بین عدالت مالیاتی و پرداخت مالیات مودیان مالیاتی کل کشور رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد.
در این آزمون وجود تاثیر عدالت مالیاتی بر پرداخت مالیات مودیان مالیاتی کل کشور بررسی شد. با توجه به اینکه مقدار بحرانی ضریب مسیر بالاتر از ۱/۹۶ است مسیر مربوطه در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنی‌دار و فرضیه مذکور تأیید می‌شود؛ بدین معنی که عدالت مالیاتی بر پرداخت مالیات مودیان مالیاتی کل کشور تاثیر دارد. ضریب تاثیر ۰/۲۶۵ می‌باشد که بیانگر وجود تاثیر مثبت عدالت مالیاتی بر پرداخت مالیات مودیان مالیاتی کل کشور می‌باشد.
- ۵- بین ریسک درک شده و پرداخت مالیات مودیان مالیاتی کل کشور رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد.
در این آزمون وجود تاثیر ریسک درک شده بر پرداخت مالیات مودیان مالیاتی کل کشور بررسی شد. با توجه به اینکه مقدار بحرانی ضریب مسیر بالاتر از ۱/۹۶ است مسیر مربوطه در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنی‌دار و فرضیه مذکور تأیید می‌شود؛ بدین معنی که ریسک درک شده بر

پرداخت مالیات مودیان مالیاتی کل کشور تاثیر دارد. ضریب تاثیر ۰/۱۷۳ می باشد که بیانگر وجود تاثیر مثبت ریسک درک شده بر پرداخت مالیات مودیان مالیاتی کل کشور می باشد.

۶- بین تعهد به پرداخت مالیات و پرداخت مالیات مودیان مالیاتی کل کشور رابطه مثبت و معنی دار وجود دارد.

در این آزمون وجود تاثیر تعهد به پرداخت مالیات بر پرداخت مالیات مودیان مالیاتی کل کشور بررسی شد. با توجه به اینکه مقدار بحرانی ضریب مسیر بالاتر از ۱/۹۶ است مسیر مربوطه در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنی دار و فرضیه مذکور تأیید می شود؛ بدین معنی که ریسک درک شده بر پرداخت مالیات مودیان مالیاتی کل کشور تاثیر دارد. ضریب تاثیر ۰/۲۵۹ می باشد که بیانگر وجود تاثیر مثبت تعهد به پرداخت مالیات بر پرداخت مالیات مودیان مالیاتی کل کشور می باشد.

۴. نتیجه گیری

بررسی های انجام شده نشان می دهد که اشخاص حقوقی دولتی ۴۵ درصد، اشخاص حقوق غیردولتی ۲۲ درصد، مشاغل و اصناف ۳ درصد، حقوق بگیران دولتی و خصوصی ۴۷ درصد از کل مالیات را تشکیل می دهند. با توجه به اینکه صنعت شامل بخش کارخانه های و بخش نفت و گاز، معادل ۵۲ درصد از تولید ناخالص داخلی را شامل می شود، اما ۷۷ درصد از کل مالیات را پرداخت می کنند. از طرف دیگر، گروه مشاغل و اصناف حدود ۵۵ درصد از تولید ناخالص داخلی را در اختیار دارند که فقط ۳ درصد از کل مالیات را پرداخت می کنند. اشخاص حقوقی چون دارای سیستم حسابداری و دفاتر قانونی هستند و بالاترین مالیات را پرداخت کرده و کمترین فرار مالیاتی را دارند و در مقابل اشخاص حقیقی به دلیل فقدان سیستم حسابداری بیشترین فرار مالیاتی را دارند مشارکت هرچه بیشتر مردم در پرداخت مالیات کمک شایانی به منظور ترویج فرهنگ مالیاتی و دستیابی به اقتصاد مقاومتی و عدم اتکاء به منابع نفتی به عنوان سرمایه های نسل آتی می نماید و هر چقدر همراهی و همکاری مردم در تأمین درآمدهای مالیاتی بیشتر شود متناسب با آن، دست دولت برای توسعه آبادانی کشور و ارائه خدمات بیشتر به ویژه در حوزه های بهداشتی درمانی، راه سازی و سدسازی، آموزشی و پژوهشی و نظایر آن بازتر خواهد شد. حال با عنایت به مطالب گفته شده و بررسی های متعدد انجام شده توسط پژوهشگران و کارشناسان مختلف حوزه مالیات نشان می دهد که میان ظرفیت بالقوه مالیاتی و وصولی های مالیاتی کشور، شکاف درخور توجهی وجود دارد. با توجه به اهمیت پرداخت مالیات در این پژوهش عوامل نگرشی تاثیرگذار بر پرداخت مالیات با استفاده از سیستم خودارزیابی مودیان مالیاتی کل کشور با استفاده از تکنیک دلفی شناسایی شدند؛ پس از جمع آوری نظرات کارشناسان خبره در این حوزه این عوامل شامل:

ریسک‌گریزی، هنجار، اخلاق، عدالت مالیاتی، ریسک درک شده و تعهد به پرداخت مالیات می‌باشد؛ ریسک‌گریزی با ضریب تاثیر ۰/۱۹۴، هنجار با ضریب تاثیر ۰/۲۱۵، اخلاق با ضریب تاثیر ۰/۲۱۱، عدالت مالیاتی با ضریب تاثیر ۰/۲۶۵، ریسک درک شده با ضریب تاثیر ۰/۱۷۳، تعهد به پرداخت مالیات با ضریب تاثیر ۰/۲۵۹، بر پرداخت مالیات مودیان مالیاتی کل کشور مثبت دارند. و با توجه به این که مقدار سطح معناداری (P) کمتر از میزان خطا ۰/۰۵ و مقدار بحرانی (CR) بیشتر از محدوده قابل قبول یعنی ۱/۹۶ می‌باشد، می‌توان ادعا نمود که تمامی فرضیه‌ها تائید می‌شود.

منابع

- ۱- امیری، میثم (۱۳۹۶). اقتصاد رفتاری و فرار مالیاتی. *پژوهشنامه اقتصادی*، ۱۷ (۶۴): ۹۵-۱۳۰.
- ۲- آخوندی، احمد، جمشیدی، مینا و خطیری علیائی، علی (۱۳۹۷). بررسی عوامل مؤثر بر تمکین مالیاتی مؤدیان مالیات بر ارزش افزوده اداره کل مالیات بر ارزش افزوده شهر تهران، دوازدهمین همایش سیاست های مالی و مالیاتی ایران، سازمان امور مالیاتی.
- ۳- باقری، بهروز، باباجانی، جعفر و برزیده، فرخ (۱۳۹۸). شناسایی عوامل مؤثر بر تمکین مالیاتی در ایران. *فصلنامه پژوهش های تجربی حسابداری*، ۸ (۳)، ۳۱۰-۲۸۳.
- ۴- برزیده، فرخ، ابراهیمی درده، سجاد (۱۳۹۸). رتبه بندی عوامل رفتاری مؤثر بر عدم تمکین مالیات بر درآمد مشاغل از منظر خبرگان. *پژوهشنامه مالیات*، ۲۷ (۴۲): ۷۲-۴۳.
- ۵- جهانگیروند، عبدالحمید، شورورزی، محمدرضا و نوری توپکانلو، زهرا (۱۴۰۰). ارائه الگویی جهت تبیین نقش معافیت مالیاتی و تصمیمات تأمین مالی و سرمایه گذاری بر عملکرد شرکت های سرمایه گذار در منطقه ویژه اقتصادی امیرآباد. *نشریه اقتصاد و بانکداری اسلامی*، ۱۰ (۳۶): ۳۵۳-۳۸۱.
- ۶- حبیب الهی، مرجان، معبودی، رضا و خرسند، محمد (۱۴۰۱). بررسی تاثیر توسعه بازارهای مالی و درآمدهای مالیاتی بر رشد اقتصاد در کشورهای جنوب شرقی آسیا. *نشریه اقتصاد و بانکداری اسلامی*، ۱۴۰۱؛ ۱۱ (۴۰): ۸۶-۶۵.
- ۷- حساس یگانه، یحیی، ابراهیمی سرو علیا، محمد حسن، عباسوند، فرشید و دلاور، علی (۱۳۹۸). اهمیت عوامل تمایل به پرداخت مالیات از دیدگاه مؤدیان مالیاتی (مورد مطالعه: مؤدیان مالیاتی اداره امور مالیاتی شهر تهران). *دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت*، ۸ (۲۹): ۲۰۳-۲۱۴.
- ۸- صیادی، سومار، علی، رهنمای رودپشتی، فریدون و کاکایی تبار، زهرا (۱۳۹۷). علل پدیده فرار مالیاتی در ایران با تاکید بر شکاف بین دیدگاه مؤدیان و کادر مالیاتی بر اساس مدل AHP (مطالعه موردی استان ایلام). *حسابداری و منافع اجتماعی* ۸ (۱)، ۵۲-۲۷.
- ۹- کریمی، سجاد، محمدی، احمد، متقی، علی اصغر و عرب صالحی، مهدی (۱۴۰۱). ارزیابی و رتبه بندی عوامل اقتصادی و مالی مؤثر بر شفافیت مالیاتی شرکت ها از طریق بکارگیری روش بهترین- بدترین سلسله مراتبی. *نشریه اقتصاد و بانکداری اسلامی*، ۱۱ (۴۰): ۱۶۳-۱۹۲.
- ۱۰- کیا، بهزاد، جعفری صمیمی، احمد، فرهادی محلی، علی و طبری مجتبی (۱۴۰۰). شناسایی معیارها و سنجه های ارزیابی خط مشی مالیات بر ارزش افزوده. *نشریه اقتصاد و بانکداری اسلامی*، ۱۰ (۳۷): ۲۰۲-۱۸۵.

- ۱۱- حسینی کندلجی، میرهادی، صامتی، مجید، امیری، هادی و حیدری، زهرا (۱۳۹۵). سنجش اخلاق مالیاتی و بررسی عوامل موثر بر آن در بین دانشجویان علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان. *فصلنامه پژوهش ها و سیاست های اقتصادی*. ۲۴ (۷۸)، ۷-۳۰.
- ۱۲- ناصری، زهرا و تمرینیا، آیت (۱۳۹۷). تأثیر ارتقاء فرهنگ بر تمکین مالیاتی، دومین کنفرانس ملی حسابداری- مدیریت اقتصاد با رویکرد اشتغال پایدار و نقش آن در رشد صنعت، ملایر، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ملایر.
- ۱۳- نظریپور، محمود، نسل موسوی، سیدحسین و حسینی شیروانی، میرسعید (۱۳۹۹). ارائه مدل پیش بینی فرار مالیاتی بر مبنای الگوریتم درخت تصمیم ID3 و شبکه بیزین. *پژوهشنامه مالیات*. ۲۸ (۹۳): ۵۹-۸۷.
- 14- Abd Hamid, Nadiah, Roselan, Nurul, Fairuz, Tengku & Tengku Embong, Tengku Fairuz & Hasnah, Nor & Saheh, Mad & Sabli, Nurshamimi & Sanusi, Soliha & Rasit, Zarinah & Rashid, Norfadzilah. (2019). Factors Influencing Tax Awareness among E-commerce Small and Medium-Sized Enterprises (SMEs) in Malaysia, *Int. J. Manag. Bus. Res.*, 9 (4), 237-246.
- 15- Besley, Timothy. (2020). State Capacity, Reciprocity, and the Social Contract. *Econometrica*. 88(4), 1351-1358.
- 16- Cohilj, P., & Jefferson, L. (2020). Legal update: Division 7A - tax considerations in relation to liquidations. *Australian Restructuring Insolvency & Turnaround Association Journal*. 32(1), 24-27.
- 17- Fortin, Bernard & Lacroix, Guy et. al. (2021). Tax Evasion and Social Interactions. *SSRN*.
- 18- Hakim Ben, Othman, Khaled Hussainey & Néjia, Moumen.(2023). The influence of cultural tightness-looseness, religiosity, and the institutional environment on tax evasion behaviour: A cross-country study. *European Financial Management*. pp.1-29.
- 19- Inasius, Fany, Tax Compliance of Small and Medium Enterprises: Evidence from Indonesia (2015). *Accounting & Taxation*. 7 (1). pp. 67-73.
- 20- Kasipillai, Jeyapalan and Aripin, Norhani and Amran, Noor Afza, (2003). The Influence of Education on Tax Avoidance and Tax Evasion. *Journal of Tax Research*. 1(2).
- 21- Kenno, B. G. (2020). Factors Affecting Perception of Taxpayers towards the Seriousness of Tax Evasion in Bale Robe Town Administration, Oromia, Ethiopia, *International Journal of Finance and Accounting*. 9 (2), 21 -30.
- 22- Sadjiarto, A., Susanto, A. N., Yuniar, E., & Hartanto, M. G. (2020). Factors affecting perception of tax evasion among Chindos. In 23rd Asian Forum of Business Education. (AFBE 2019). 487-493). Atlantis Press.
- 23- Sanaeepour H. (2020). Identifying and Prioritizing the Factors Influencing Tax Evasion in Small & Medium Enterprises (SMEs) from the Perspective

- of Iranian National Tax Administration Staff: A Mixed Method Study. *J Tax Res.* 28 (47) :7-30.
- 24- Tabandeh, Razieh, Jusoh, Mansor, Md Noor, Nor Ghani & Zaidi, Mohd Azlan Shah. (2013). Causes of Tax Evasion and Their Relative Contribution in Malaysia: An Artificial Neural Network Method Analysis. *Journal Economi Malaysia, Faculty of Economics and Business.* Universiti Kebangsaan Malaysia. 47(1). 99-108.
- 25- Tilahun, M. (2022). Factors Affecting Tax Compliance Behaviour Of Taxpayers: The Case Of Ministry Of Revenue Small Taxpayer's Branch Office in Addisababa (Doctoral Dissertation, St. Mary's University).

